



مدلس حقوق

شاپا چاپی: ۱۸۴۱ - ۲۷۸۳
شاپا الکترونیک: ۱۹۲۲ - ۲۷۸۳

دوره ۵ - شماره ۱۱ - تابستان ۱۴۰۱

واکاوی آراء مبتنی بر جبران خسارت در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست - عباس پور هاشمی، سبحان طیبی
اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی در تعقیب جنایات بین المللی ابوالفتح خالقی، سید محمدصادق حسینی
جرم انگاری عدم گزارش تأمین مالی تروریسم مصادیقی از بی تفاوتی کیفری - جعفر موحدی، ناصر رضوانی جویباری
نگاهی جامعه شناختی به «بزه دیدگان سیاسی اجتماعی» تمیمیات و اهداف حکمرانان سیاسی از منظر فقهی و عدالت ترمیمی - سید
محمدرضا موسوی فرد، حسین نوروزیان، محمود چتری

واکاوی ابعاد کاستی‌های حقوقی جبران خسارات زیست محیطی فرامرزی به اشخاص غیردولتی زبان دیده - نساء قلیزاده
بایستگی التزام جامعه بین المللی به حق حاکمیت فلسطینیان بر اراضی اشغالی در سیاق حقوق بین الملل موضوعه - محمد ستایش پور،
سعید نصر الله زاده

گفتمان سیاست تسامح صفر در نظام کیفری ایران؛ بسترها و زمینه ها - رستم علی اکبری، پوریا دشتی نژاد
رویکرد تطبیقی بر آئین اقامه دعوا - حسن نجارها
بررسی عوامل قطع رابطه استناد در حقوق کیفری - جواد نادری عوج بغزی، احمد رضا امتحانی، علی پایدار فرد
پایش سری زمانی تغییرات اقلیمی حاصل از ساخت یک سد و بررسی مسئولیت دولت در قبال آثار زیست محیطی آن (مطالعه موردی سد
شرفشاه سومار) - مسعود فدائی ده چشمه، شادمان رحیمی، ابراهیم محمدی
کودک و کودکی از منظر علم - مریم شعبان

ارزش سازمان ثبت اسناد و املاک با نگاهی به موقعیت کنونی - نوربخش ریاحی
آثار قبض و رجوع در عقد هبه از منظر فقه امامیه و حقوق ایران - افشین مجاهد، امیرمحمد صدیقیان
واکاوی چالش‌های ماهوی و شکلی مسئله استرداد مجرمین - رضا علی پناه، علی پایدار فرد
طبقه بندی تحلیلی قراردادهای نجات دریایی: تشکیل و توسعه - امیرحسین زال نژاد
واکاوی فقهی پیرامون پذیرش قصاص مادر یا ممنوعیت آن در قانون مجازات اسلامی - سید علیرضا امین
بررسی فرآیند عدالت ترمیمی و چالش‌های فراروی آن در جرایم محیط زیستی - سعید اسدزاده، فاطمه احدی، مجتبی کنجوری
شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین الملل کیفری؛ واکاوی تطبیقی ساز و کارهای موجود در مقابله با بی‌کیفرمانی - محمد ستایش پور،
زهره ملکی راد

چندپارگی قانون مجازات اسلامی و آثار آن (باتاکید بر جنایت علیه اشخاص) - محمدرضا نظری نژاد کپاشی، پیمان دولتخواه پاشاکی
مسئولیت بین المللی دولت در پرتو رای یازدهم دسامبر ۲۰۲۰ دیوان بین المللی دادگستری (شکایت دولت گینه استوانی به طرفیت
دولت فرانسه) - اسماعیل خلیفه

اصول و قواعد حاکم بر دادرسی مدنی در حقوق ایران و فرانسه - بلقیس برهانی
امکان سنجی تفویض اختیار درخواست احاله از سوی دادستان به معاون دادستان و دادیار - مهرداد موحدی، پیمان دولتخواه پاشاکی،
وحید دادگستر

اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران - هادی زارع
تأملی بر صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی به جرم تروریسم - سید سجاد رزاقی موسوی
جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه - علی ادبی فیروز جانی، رضا آقاعباسی، سیدسجاد خالونی تفتی
تبییین اختلاف نظر موجود در خصوص بزه ایراد ضرب و جرح عمدی با سلاح سرد در پرتو نقد رای - امیررضا قانع، مریم فتح اله پور شیراز
آثار ارتکاب جرایم مالیاتی و راه‌های پیشگیری از آن در نظام حقوقی ایران - مریم عظیمی
تأملی بر روزه خواری در رویه قضایی؛ فعل مجرمانه یا فعل حرام؟ - سید رضا موسوی آزاده، ایمان اسفندیار، سید حامد رضوی
آسیب شناسی قانون به کارگیری سلاح در تبیین موارد مجاز تیراندازی - سامان اوچاقلو شهابی، جواد نادری عوج بغزی، سید رضا طباطبانی فر
جستاری جامعه شناختی بر تظاهر به عمل حرام در بانوان در قالب آموزه های فقهی و جرم شناسی اسلامی باتاکید بر مأموریت های پلیسی - سیدمحمد
موسوی فرد، حمیدرضا نوروزیان، فاطمه السلات ضیاالدین پور، مریم پور طهماسب پیاچا، فاطمه هر اتیان
ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی توسط ضابطین در قانون آئین دادرسی کیفری - امیر حسن ابوالحسنی، محمدصادق امیری
خشونت علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن - امیر حسن ابوالحسنی، عبدالواحد بهمه ای



The Status of Court Costs from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian and French Law

جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه

Ali Adabi Firozjaie

Master of Islamic Education and Law, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Rafsanjan, Iran (Corresponding Author)

Reza Aghaabbasi

Assistant Professor, Department of Islamic Education and Law, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

Sayed Sajad Khaloee Tafti

Master of Islamic Education and Law, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

علی ادیبی فیروزجایی

کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

ali. adabi. firozjaai@gmail.com

رضا آقاآببسی

استادیار گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان، رفسنجان، ایران

reza. aghaabbasi@vru. ac.ir

سید سجاد خالویی تفتی

کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه ولی عصر (ع) رفسنجان، رفسنجان، ایران

sajad.khaloyi@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-6512-3488>

Abstract

Costs of litigation can be considered as one of the most important parts of litigation, which is accepted as a principle in the law of our country. In order to receive amounts as income in this way, and for this reason, laws and regulations have been developed in the field of court costs in the judiciary. In view of the above, the determination of court costs is subject to the terms and conditions that the legislator determines according to different cases. The Code of Civil Procedure does not provide a specific definition in the discussion of court costs and only in Article 502 it is sufficient to determine its cases. Because litigation is an inalienable right of every person and it is not possible to prevent people from going to court by incurring huge costs and increasing it annually. Or postponed litigation and the administration of justice and made it subject to the payment of court fees, which is an example of the prohibition of going to the courts to which people have the unconditional right to go. Under French law, the country's civil procedure provides for the conviction of the convicted person for the costs of the proceedings. The French Supreme Court has ruled that the division of costs between the parties is within the discretion of the trial judges. Thus, in the Iranian legal system, it is necessary for the judge to be able to pay attention to the economic situation of the parties and the demands of the lawsuit. Also in France, in order to help people who do not have financial resources, an institution called the Legal Aid Institution has been established, which requires steps to receive this assistance, such as a life sentence, and if proven, the beneficiary will pay the fees of legal assistants and Other ancillary costs are exempt.

Keywords: Cost of Litigation, Convict, Usury, Government, Victim.

چکیده

هزینه‌های دادرسی را می‌توان از جمله مهم‌ترین بخش‌های تشکیل دهنده دادرسی دانست که به عنوان یک اصل در حقوق کشور ما پذیرفته شده است و طرح دنبال کردن دعوا در هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی منوط به پرداخت هزینه دادرسی می‌باشد که اصولاً دولت‌ها به کمک دستگاه قضایی تلاش می‌نمایند تا از این طریق مبالغی را به عنوان درآمد دریافت نمایند و بدین جهت قوانین و مقرراتی در زمینه هزینه‌های دادرسی در دادگستری تدوین یافته است. با توجه به موارد فوق تعیین هزینه‌های دادرسی تابع شرایط و مقرراتی است که قانونگذار با توجه به موارد مختلف آن را تعیین می‌نماید. قانون آیین دادرسی مدنی در بحث هزینه‌های دادرسی تعریف به خصوصی انجام نداده و تنها در ماده ۵۰۲ به تعیین موارد آن اکتفا نموده است. از آن جا که دادخواهی حق مسلم هر فرد است و نمی‌توان با اخذ هزینه‌های هنگفت و افزایش سالانه آن، مردم را از رفتن به محاکم منع نمود یا دادخواهی و اجرای عدالت را موقوف و منوط به پرداخت هزینه‌های دادرسی نمود که خود نمونه‌ای از ممانعت مراجعه به دادگاه‌هایی است که مردم بدون قید و شرط حق مراجعه به آن را دارند. در حقوق فرانسه، آیین دادرسی مدنی این کشور محکومیت محکوم علیه به هزینه‌های دادرسی را مدنظر قرار داده است. دیوان عالی کشور فرانسه تقسیم هزینه‌ها میان طرفین را از اختیارات تشخیص قضات رسیدگی ماهوی دانسته است. بدین ترتیب لازم است در نظام حقوقی ایران نیز قاضی بتواند به موقعیت اقتصادی طرفین و خواسته دعوا توجه کند. همچنین در فرانسه به منظور کمک به افرادی که بضاعت مالی ندارند، نهادی به نام نهاد کمک حقوقی تأسیس شده که جهت دریافت این کمک همتاند حکم اعصار نیازمند مراحلی است و در صورت اثبات، فرد بهره‌مند از این کمک از پرداخت هزینه و حق‌الزحمه دستیاران قضایی و سایر هزینه‌های جانبی معاف می‌گردد.

واژگان کلیدی: هزینه دادرسی، محکوم علیه، اعصار، دولت، بزه‌دهنده.

ارجاع:

ادبی فیروزجائی، علی؛ آقاعباسی، رضا؛ خالوئی تفتی، سید سجاده؛ (۱۴۰۱)، جایگاه هزینه دادرسی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

هزینه دادرسی را می‌توان از جمله مهم‌ترین بخش‌های تشکیل دهنده دادرسی‌ها دانست که لازمه آغاز رسیدگی‌های قانونی بعدی و محاکمه است. دادخواهی و احقاق حق به موجب قوانین موضوعه ایران، مستلزم پرداخت هزینه است. برخلاف سایر خدمات عمومی همچون آموزش و پرورش یا برقراری امنیت و سایر موارد که رایگان بوده و باعث تحمیل هزینه مستقیمی به اشخاص نمی‌شوند، این هزینه را شاکی یا خواهان در ابتدای طرح شکایت یا اقامه دعوی باید پرداخت نماید. در صورت موفقیت در دادرسی، هزینه‌های موصوف قابل استرداد توسط محکوم‌علیه به آن‌ها می‌باشد. در خصوص هزینه دادرسی چنین استنتاج می‌شود که در موارد سکوت یا ابهام قانون در خصوص أخذ یا عدم أخذ هزینه دادرسی، اصل بر عدم وجود چنین مانعی بوده و لذا مشروط کردن استماع دعاوی به پرداخت هزینه‌ای بیشتر از نص قانون، به معنی ایجاد مانع در راه دادرسی و تحقق عدالت و نظم محسوب می‌شود (حسینی پویا، ۱۳۹۰، ۸۹).

هزینه دادرسی عبارت است از هزینه‌ای که خواهان برای شروع رسیدگی باید به دولت بپردازد. در واقع قاعده الزام محکوم‌علیه به پرداخت هزینه دادرسی تکلیفی است که از زمان‌های قدیم معلوم و متداول بوده است. به عبارت دیگر منظور از هزینه‌ها، وجوه نقدی است که مدیر دفتر موظف است محاسبه و از شاکی و خواهان یا وکلای آن‌ها به هنگام طرح شکایت یا تقدیم دادخواست مطالبه و وصول نماید. نحوه مطالبه نیز بدین صورت است که نامبردگان به جای پرداخت نقدی وجه از واحد تمبرفروشی دادگستری‌ها، به میزان لازم تمبر خریداری نموده و در برگ دادخواست یا شکوائیه ابطال (الصاق)

می‌کنند. تجزیه و تحلیل اقتصادی فرآیند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌های اقامه دعوی به منظور بالا بردن کارایی و کیفیت دادرسی و بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی است. چنانچه دادرسی کارآمد از جمله تضمین‌های عدالت مدنی است. روند دادخواهی از منظر اقتصادی برخوردار است و افراد بر اساس فرض عقلانیت اقتصادی رفتار می‌کنند و به منظور دستیابی به منافع بیشتر دست به انتخاب زده و گاه اقامه دعوا در دادگاه را پذیرفته و گاه به صلح و سازش بدون رجوع به دادگاه را بر می‌گزینند. کیفیت دادرسی با تأکید بر سازماندهی کارکرد اجتماعی دادرسی، انگیزه خصوصی طرفین به دنبال عدالت اقتصادی در کنار عدالت مدنی است (پوراستاد و حصارخانی، ۱۳۹۴، ۵۷).

طبق قوانین جاری، اساس هزینه‌های دادرسی، ارزش خواسته است و ارتباطی به تشکیل پرونده ندارد و چه بسا پرداخت این هزینه‌های هنگفت صاحبان حق را از طرح دعوی منصرف و از اجرای عدالت مأیوس سازد. این دادخواهی به جهت عدم توان پرداخت هزینه‌های مزبور غیرشرعی و مخالف موازین دینی و اسلامی است. برقراری نظم، امنیت، عدالت و دادخواهی حق مسلم افراد جامعه است، زیرا یک دعوی حقوقی ساده بعضاً مشاهده شده که منجر به ارتکاب جرم و به هم ریختن نظم عمومی می‌شود. کسانی که برای رفع تظلم به محاکم قضایی مراجعه می‌کنند اکثراً مالباختگانی هستند که به نوعی مورد ظلم واقع شده‌اند. حال با این اوصاف که مالباخته اگر در بدو تظلم و دادخواهی بخواهد هزینه‌های مالی هنگفت برای استیفای حقوق از دست رفته خود بپردازد که توان پرداخت آن را ندارد، معضل را مضاعف می‌نماید، هر چند قانونگذار دعوی اعسار را مطرح می‌نماید لیکن در بسیاری از موارد که دعوی اعسار توان دادگاه‌ها را گرفته و زمان زیادی به طول می‌انجامد، چه خوب بود تا چاره‌ای برای شکل دادرسی و راه شایسته‌تری برای کسری بودجه و کم کردن هزینه‌های دادرسی یا حداقل در همان حدی که در قانون اساسی آمده هزینه اخذ می‌شد، تا مردم برای برقراری عدالت قضایی دچار ناهنجاری‌های ناشی از افزایش نرخ هزینه‌های دادرسی و حاصل ضرب آن بر سر دادخواهی که حق مسلم و اساسی مردم ایران است و هر روز به مانع بزرگ‌تری تبدیل می‌شود، پیدا می‌نمود.

با توجه به یکسان بودن هزینه‌ها و مقدمات تشکیل پرونده در کلیه دعاوی توجیه منطقی و شرعی وجود ندارد که دعاوی به مالی و غیرمالی تقسیم شود، در حالی که هزینه‌های دادرسی یکسانی در هر دو دعوی که یکی سریعاً رسیدگی می‌شود و دیگری چندین سال به طول می‌انجامد، وصول می‌شود. لذا نباید برای دادخواهی و تظلم در بدو امر از اشخاص هزینه دریافت شود. دریافت هزینه دادرسی در ابتدای

رسیدگی به پرونده‌های حقوقی و جزایی برای مراجعین که مورد تظلم واقع شده‌اند، نه تنها به رفع ظلم کمکی نمی‌کند، بلکه مانعی برای آن خواهد بود.

۱- مفهوم هزینه دادرسی

هزینه دادرسی به معنای هزینه برگ‌هایی که به دادگاه داده می‌شود و همچنین هزینه قرار و احکام و نیز هر هزینه‌ای که مستقیماً مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوی یا دفاع لازم بوده باشد؛ از قبیل حق‌الزحمه کارشناس و هزینه تحقیقات محلی و... می‌باشد. وائگان هزینه و مخارج ظهور در هزینه‌ها و مخارج مادی دارد؛ هزینه‌ها و مخارجی که در دارایی هر شخص اثرگذار هستند. بخشی از هزینه‌ها برای دادرسی انجام می‌شوند و منشاء و مسبب برخی دیگر خود دادرسی است. مورد دوم یا می‌تواند نتیجه گذر زمان در دادرسی باشد یا حاصل رویدادهایی که در دادرسی اتفاق می‌افتند و اثر روحی و روانی بر اصحاب دعوا دارند (محسنی، ۱۳۸۹، ۲۸۴).

در واقع هزینه دادرسی عبارت است از هزینه‌ای که بابت صدور حکم یا قرار به هنگام تقدیم دادخواست از سوی خواهان باید پرداخت گردد. اگرچه باید هزینه دادرسی شامل این دو مورد گردد، لیکن به موجب ماده «۵۰۲»^۱ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود را هم در بر می‌گیرد. در قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، طبق ماده ۶۹۵ هزینه‌های رسیدگی، اسناد و آئین‌های اجرا عبارتند از: «حقوق، عوارض، مالیات، مواجب مقرر شده توسط دفاتر مراجع قضایی با اداره مالیات به استثناء حقوق، عوارض و جریمه‌های احتمالی ناشی از اسناد و عناوین مستند ادعاهای طرفین. هزینه ترجمه اسناد هنگامی که ترجمه قانوناً یا به موجب تعهدی بین‌المللی لازم است. جبران هزینه‌های شهود. حق‌الزحمه کاردان. بازپرداخت تعرفه‌ها. مواجب کارمندان عمومی یا وزارتی. حق‌الوکاله و کلا تا حدی که در مقررات تعیین شده که شامل حقوق دفاعیات شفاهی می‌شود. هزینه‌های ناشی از ابلاغ یک سند در خارج. هزینه‌های ترجمه همزمان و ترجمه که به موجب ترتیبات تحقیقی انجام شده در مخارج به درخواست مرجع قضایی در چهارچوب آئین‌نامه (جامعه اروپا) ۲۰۰۱/۱۲۰ شورا مورخ بیست و هشتم مه ۲۰۰۱ مربوط به تعاون میان مراجع قضایی کشورهای عضو در قلمرو تحصیل دلیل در امور مدنی و بازرگانی لازم تشخیص داده شده‌اند. قرار بازجویی‌های اجتماعی که وفق مواد ۱۰۷۲، ۱۱۷۱ و ۱۲۲۱ صادر می‌شود. حق‌الزحمه اشخاصی که

۱- هزینه دادرسی عبارت است از: ۱- هزینه برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود. ۲- هزینه قرارها و احکام دادگاه.

قاضی برای استماع صغیر منصوب می‌کند وفق ماده ۳۸۸-۱ کد مدنی. حق الزحمه‌ها و هزینه‌های ناشی از تریبات، بازجویی‌ها، بررسی‌های لازم وفق مقررات ماده ۱۲۱۰-۸»

از لحاظ تاریخی می‌توان گفت: در قدیم اصولاً این گونه نبوده که دادرسی به صورت رایگان برای همه به عنوان یک اصل استثناء ناپذیر پذیرفته شده باشد بلکه از همان ابتدای شکل‌گیری محاکم، پرداخت هزینه دادرسی جزئی از عوامل اساسی در چگونگی طرح دعوا بوده است. از همین رو، همواره دولت‌ها در تلاش و تکاپو در جهت نیل به این هدف هزینه‌هایی را از باب هزینه دادرسی به اشخاص تحمیل نموده‌اند، هرچند که از سوی دیگر همواره در تلاش بوده‌اند تا افرادی را از این تکلیف برهاند. نمونه این امر همان می‌باشد که به عنوان موارد معافیت از پرداخت هزینه دادرسی معروف شده است (شمس، ۱۳۸۴، ج ۲، ش ۸۵).

با نگاهی به قضاوت صدر اسلام به این مهم می‌رسیم که محاکم شرع و قضات شرعی در طول تاریخ از اصحاب دعوا پولی دریافت نمی‌داشتند و طبق بررسی‌ها می‌توان گفت که این دریافت وجه از ناحیه مراجعین از زمانی رایج شد که قضاوت عرفی در مقابل قضاوت شرعی متداول شد و حکام جهت به دست آوردن حکومت ناحیه‌ای مجبور بودند سالیانه مبلغی را به دربار بفرستند و به همین دلیل به گرفتن وجه برای دادرسی‌ها روی آوردند.

۲- تاریخچه هزینه دادرسی

در رابطه با اولین قوانینی که به هزینه دادرسی اشاره نموده‌اند، می‌توان به قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰/۰۸/۱۸ اشاره نمود. چرا که در این قانون به جای ذکر واژه هزینه دادرسی، مقنن از واژه مخارج محاکمه سخن رانده است، به گونه‌ای که باب هشتم این قانون از ماده ۷۸۰ به بعد به بیان اقسام مخارج محاکمه پرداخته است. از سوی دیگر و با استناد به ماده ۷۸۲ این قانون، اولین مبلغ برای رسیدگی به دعوا، یک شاهی معرفی شده است که به مرور زمان و با توجه به میزان تورم، این مبلغ افزایش یافته است. بعد از مدتی به موجب قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، قاعده تعیین هزینه دادرسی یعنی تعیین بهای خواسته به عنوان عامل تعیین هزینه دادرسی پذیرفته شد، چرا که به موجب باب نهم این قانون و برای نخستین بار نیم درصد ارزش خواسته به عنوان مبنای تعیین هزینه دادرسی معرفی گردید و در نتیجه قانونی پایه‌گذاری شد که تاکنون الهام‌بخش قوانین تصویبی از سوی مجلس شورای اسلامی در تعیین مبنایی برای احتساب هزینه دادرسی می‌باشد.

هرچند که این قانون بعد از حدود بیست و هشت سال از اولین قانون پیش‌بینی‌کننده هزینه دادرسی به

تصویب می‌رسد ولی دور از انصاف است اگر که بگوییم تعریف و تقسیم هزینه دادرسی در این قانون، ناکارآمد و غیرکاربردی است چرا که برخلاف قانون مصوب ۱۲۹۰، منظور مقنن را از هزینه دادرسی بهتر بیان نموده است. هرچند که همین مبنا و قاعده در تعیین هزینه دادرسی با گذشت حدود سی و پنج سال از قانون آئین دادرسی مدنی یعنی با تصویب قانون افزایش هزینه دادرسی و سایر هزینه‌های منظور در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۴۵/۰۵/۱۷ مورد پذیرش قرار می‌گیرد ولی در میزان هزینه دادرسی تغییراتی ایجاد می‌شود به نحوی که میزان هزینه دادرسی در مرحله بدوی از نیم درصد به ۱/۵ درصد به موجب این قانون می‌رسد که شاید اثرات افزایش میزان تورم ناشی از ورود ارزهای حاصل از فروش نفت باشد. ولی آنچه که مسلم است این که به موجب این قانون که در قالب ماده واحده به تصویب رسیده است، میزان هزینه دادرسی در تمام موارد مذکور در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ تغییر پیدا می‌نماید و برای نخستین بار هزینه گواهی عدم سوءپیشینه کیفری به مبلغ پنجاه ریال تعیین می‌گردد. هرچند این قانون دیری نپایید چرا که به موجب بخشنامه رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۰ بند ج ماده ۶۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و بند دوم قانون افزایش هزینه دادرسی و سایر هزینه‌های منظور مصوب ۱۳۴۵ تغییر نمود و با همان مبنا و قاعده سابق ولی به میزان جدیدی، میزان هزینه دادرسی تعیین گردید.

این روند ادامه پیدا نمود تا این که به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵ فقط هزینه طرح شکایت کیفری به ده هزار ریال افزایش یافت و در سایر موارد به قوانین سابق ارجاع نمود (تبصره ۳ ماده ۲۸). این روند دیری نپایید چرا که شش ماه بعد یعنی در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ قانونی به نام قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین به تصویب می‌رسد که در ماده ۳ قانون مذکور به تفصیل موارد هزینه دادرسی تعیین می‌گردد، این قانون که اکنون دوران حاکمیت پانزده ساله خود را سپری می‌نماید، تا حد زیادی نا به هنجاری‌های سابق را مرتفع نموده، به گونه‌ای که به طور کامل و مفصل به موارد هزینه دادرسی اشاره کرده که البته نباید ناگفته بماند که این قانون به موجب بودجه ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ دستخوش تغییراتی شده است، ولی همچنان این قانون به حاکمیت خود ادامه می‌دهد به نحوی که محاکم در شرایط فعلی با توجه به این قوانین، اقدام به تعیین و وصول هزینه دادرسی می‌نمایند که عبارتند از: قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و قانون بودجه ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ (قلعه‌نوی، ۱۳۹۵، ۴۱).

۳- قواعد فقهی مرتبط با هزینه دادرسی

فقهاء؛ حکومت و بیت المال را بدون هرگونه چشم داشتی موظف به ارائه خدماتی که مناسب به حال مصالح مسلمین است، دانسته‌اند. از سوی دیگر آنان بر این نکته اجماع کرده‌اند که قضاوت از مصالح مسلمین و بلکه از اعظم و اهم آن است و انتظام جامعه اسلامی بر مبنای آن نهاده شده است. بر این پایه، آنان اداء این وظیفه را واجب کفایی برشمرده‌اند که تبعاً در برخی از موارد به واجب عینی تبدیل می‌شود. چون قضاوت از مصالح جامعه اسلامی و واجبی کفایی است که ممکن است به واجب عینی بدل شود. لذا تبرعی و بدون مزد است و نمی‌توان در قبال انجام این واجب، مالی را از دو طرف دعوی یا یکی از آنان، یا از شخص ثالث یا دیگری و مانند این‌ها دریافت کرد. فقهاء در تبرعی و مجانی بودن قضاوت و عدم تحمیل هزینه بر دو طرف دعوی تردیدی به خود راه نداده‌اند، لیکن با توجه به این که قضاوت از مصالح امور مسلمین است، به ناچار عده‌ای باید متکفل این امر شوند.

۳-۱- قاعده لاضرر

برای اعمال قاعده لاضرر باید در هر مورد شرایط خاص مورد را در نظر گرفت. با توجه به قاعده فوق که هرگونه ضرر و ضرار در اسلام منتفی می‌باشد، بدیهی است که قوه قضائیه و دادرسی یکی از ارکان مهم نظام است و نباید خود متحمل ضرر شوند، این که مدعی و مدعی علیه هزینه دادرسی را نپردازند به این معنی است که این هزینه‌ها را از بیت المال متحمل شوند و بعضاً زائد و اضافه به عهده بیت المال معین است. از طرف دیگر قاضی ارتزاقش از بیت المال است و بیت المال معد برای این امور است. اما وقتی با دقت به این دو وجه نگاه شود، باید قائل به تفصیل شویم؛ یعنی مقداری از بیت المال به عنوان هزینه پرداخت شود و همچنین اصحاب دعوی هم مبلغی را باید پرداخت نمایند. در ایران برخلاف سایر خدمات عمومی مانند آموزش و پرورش و برقراری امنیت که هیچ‌گونه هزینه‌ای را به افراد تحمیل نمی‌نماید، دادخواهی و رسیدن به حقوقی که شخص دارا بوده است مستلزم پرداخت هزینه دادرسی می‌باشد که اصولاً این هزینه را خواهان می‌پردازد و در صورتی که در دعوا پیروز شود می‌تواند همین میزان هزینه را از خواننده مطالبه نماید، از این روست که اصولاً برای طرح دعوا این خواهان است که باید اقدام به پرداخت هزینه دادرسی نماید که این هزینه دادرسی در همان زمان اقامه دعوا اخذ می‌شود مگر در مواردی که قانون مشخص نموده باشد.

۳-۲- قاعده لاحرج یا قاعده نفی عسر و حرج

این قاعده اشاره به معسر دارد که اتفاقاً قانونگذار معسر را از پرداخت بسیاری از هزینه‌ها معاف دانسته است. معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به جان خود قادر به تأدیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد. در اصطلاح فقیهان، کسی را که دارایی به اندازه بدهی او نباشد معسر خوانند و آن حالت را اعسار گویند و اگر حاکم شرع حکم بدین حالت داد، آن شخص را مفلس گویند و خود حالت مذکور را افلاس نامند. به عبارت دیگر؛ کسی که دارایی او به اندازه بدهی او نباشد دو حالت دارد. یکی حالت پیش از ثبوت آن حالت نزد حاکم شرع که آن را اعسار گویند و دیگر حالت وی پس از ثبوت که آن را افلاس گویند. در اصطلاح اهل حقوق، ناتوان بودن شخصیت‌های حقیقی از پرداخت دین و یا محکوم‌به، یا هزینه دادرسی غیرتجاری، در عرف حقوقدانان اگر بازرگانانی از پرداخت و انجام تعهد خود در موعد مقرر برنیاید و اسناد وی و اخواست شود او را متوقف یا مفلس و ورشکسته گویند و اگر افراد غیربازرگان به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود از پرداخت بدهی یا تأدیه هزینه دادرسی برنیابند آن را معسر و آن حالت را اعسار گویند.

۳-۳- قاعده اخذ الاجرت علی الواجبات

طبق این قاعده، اولاً: بعضی (عده قلیلی) از فقهاء به جواز هزینه دادرسی نظر داده‌اند. ثانیاً: همین عده قلیلی نیز دریافت این هزینه را در مقابل عمل قضاوت قرار نداده، بلکه آن را در قبال انجام امور دفتری و اجرایی دانسته‌اند. زیرا همان گونه که گذشت، قضاوت از واجبات کفایی، از تکالیف حاکم و از مصالح جامعه بوده و تحت هیچ شرایطی قابل تعطیل نیست. بنابراین این نظر نیز تأییدی دیگر بر مجانی بودن قضاوت از منظر فقها بوده و دریافت این هزینه را صرفاً در قبال انجام امور دفتری و غیرقضایی مجاز می‌داند. حال آن که هزینه دادرسی به مفهوم حقوقی آن و در آئین دادرسی مدنی، در مقابل عملیات دفتری (به مفهوم اعم دادرسی) و عملیات دادرسی (به مفهوم اخص هزینه دادرسی) قرار می‌گیرد و تردیدی نیست که الزام به پرداخت چنین هزینه‌ای برخلاف اصول فقهی است. با این اوصاف، در توجیه هزینه دادرسی در حد منصوص و مصوب قانونی باید گفت که هرچند این مقرره، با موازین شرعی مغایر است، لیکن مقنن بنا به مصالحی این استثناء را بر اصل مجانی بودن قضاوت وارد کرده است. از این منظر و با عنایت به استثنایی بودن این حکم، باید به قدر متیقن و منصوص اکتفا شود و از تفاسیر قضایی موسع و گسترش کمی یا کیفی دامنه شمول این استثنای غیرشرعی اجتناب کرد.

۳-۴- قاعده احترام مال المسلم و عمله

اگر شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد، چنانچه این کار عرفاً دارای ارزش اقتصادی و بدون قصد تبرع انجام یافته باشد، آمر به اندازه اجرت‌المثل ضامن است. مستند ضمان، قاعده احترام است، بدین توضیح که هرچند انسان آزاده خودش مال نیست، ولی کار او مال محسوب است و مقتضای احترام مال، مسئولیت و ضمان است. البته بعضی از فقیهان در مورد عمل مسلمان قاعده مستقلی را تحت عنوان «عمل المسلم محترم مالم یقصد التبرع» تنظیم کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ۱۴۶) و (محقق داماد، ۱۳۷۶، ج ۱، ۲۱۷) ولی ناگفته پیداست که ارزش دارا بودن عمل مسلمان از فروع قاعده احترام است. یعنی تا زمانی که قصد تبرع ثابت نشود عمل مسلم محترم است. بنابراین در هر کجا که شک پیش آید اصل احترام عمل است یعنی در مقابل کار هر کسی اجرتی وجود دارد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۴۵). این قاعده نه تنها در صورت توافق طرفین بر انجام معامله بلکه حتی در صورت فساد معامله هم با اعتقاد به احیای حقوق مستحق، پرداخت اجرت‌المثل را لازم می‌داند. احترام مال و عمل مسلم به این معنا است که نمی‌توان در مال مسلم به طور مجانی تصرف نمود و به حقوق او تعدی نمود. به جهت آن که تجاوز به حقوق وی جایز نمی‌باشد، همین طور هم اگر عملی از جانب وی انجام شود محترم بوده و باید اجرت آن پرداخت شود (مصطفوی، ۱۴۲۹ق، ۲۴).

از دیدگاه امام خمینی (ره) احترام مال مسلم، همانند احترام به خون اوست؛ یعنی مال مردم را باید مانند خون و جان احترام نمود و از تجاوز و تعدی به آن دور ماند. همانطور که خونس نباید ریخته شود و اگر ریخته شد نباید هدر برود، مالش هم به همین صورت است. چون این تشبیه، تشبیه عامی است و این نکته موافق قاعده عقلائییه است و چنانچه به نفی ضمان رأی داده شود، پسندیده نمی‌باشد (خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ۳۲۳). همچنین برای اثبات قاعده می‌توان به ماده «۳۳۶»^۲ قانون مدنی اشاره کرد.

۴- آثار هزینه دادرسی در حقوق ایران

در حقوق ایران، هزینه‌های طرح دعوا تا خاتمه و اجرای آن هم موقعیت مالی طرفین دادرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. ماده ۵۰۲ قانون آئین دادرسی مدنی

۲- هرگاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهبیای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خواهد بود مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است.

مصوب ۱۳۷۹ در بیان اقسام و ماده ۵۱۹ این قانون نیز خسارت دادرسی را به هزینه دادرسی، حق الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات یا دفاع لازم تلقی می‌شود از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی تعریف کرده است. مواد ۵۱۵، ۵۱۶ و ۵۱۸ این قانون نیز امکان دریافت خسارت ناشی از دادرسی چه بر مبنای قانون و چه بر مبنای قرارداد جداگانه طرفین و یا حتی به تشخیص قاضی را پیش‌بینی کرده است.

هزینه فردی دادرسی به هزینه مادی و معنوی تفکیک می‌گردد که هزینه مادی نیز به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌گردند (شاول، ۱۳۸۸، ۴۸۴). مراد از هزینه مادی مستقیم اشاره به هزینه‌های قضایی از قبیل ابطال تبر، هزینه بهره‌گیری از خدمات وکیل و مشاور حقوقی، هزینه‌های کارشناسی، هزینه‌های ناشی از تودیع خسارت احتمالی، هزینه‌های مراحل گوناگون دادرسی تا قطعیت آن و همچنین هزینه‌های اجرای آراء می‌باشد. از جمله مباحث عمده در تحلیل اقتصادی آئین دادرسی مدنی مبحث هزینه دعوا می‌باشد که مفهومی گسترده‌تر از هزینه دادرسی دارد. به نظر باید هزینه دعوا (به معنای خاص) را متوجه هزینه‌های غیرمستقیم و هزینه‌های اجتماعی دانست که بستگی به عمق دعوا (ماهیت دعوا)، زمان دعوا، ساختار سیستم قضایی و نوع رابطه ترافعی اصحاب دعوا که قدر مشترک درک متقابل آن‌ها را محاسبه می‌نماید؛ از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است. در خصوص هزینه دادرسی که قاعدتاً قابل پیش‌بینی است، اصل معقول بودن هزینه دادرسی، اصل تخصیص هزینه دادرسی و اصل انتقال هزینه دادرسی، سه اصل مهم اقتصادی به حساب می‌آیند. هزینه‌های مادی غیرمستقیم، مشعر بر خسارت ناشی از محرومیت دسترسی به خواسته می‌باشند (محسنی، ۱۳۸۹، ۲۸۵) از جمله مصادیق خسارت مادی غیرمستقیم را می‌توان به خسارت تأخیر تأدیه، خسارات قراردادی، از دست دادن فرصت‌ها و... نام برد.

راهکارهای جبران خسارت این قبیل خسارات نیز در مواد ۵۱۹، ۵۲۱ و ۵۲۲ از قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ پیش‌بینی شده است. اگرچه بیشتر این گونه جبران خسارت‌ها، اسمی هستند تا جبران خسارت واقعی. حال آن که در تحلیل اقتصادی آئین دادرسی مدنی، هدف اجتماعی (عمومی) دادرسی کنترل هزینه دعوا، رفع واقعی اختلاف از طریق هدایت صحیح رفتار ترافعی متداعیین و ایجاد آرامش در روابط اصحاب دعوا جهت جلوگیری از طرح دعاوی ایذایی و دعاوی مکمل (پیرو) در آینده می‌باشد. اصولاً محکومیت شخص بازنده در دادرسی به پرداخت هزینه طرف قاعده‌ای است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیش‌بینی شده است. این هزینه‌ها اجزا

گونگونگی دارند؛ هزینه ابطال تمبر، هزینه‌های دفتری مثلاً هزینه خارج نویسی اسناد و هزینه تصدیق برابری رونوشت آن‌ها با نسخه اصلی، هزینه کارشناسی و هزینه حق‌الوکاله (زندوکیلی، ۱۳۹۶، ۵۶).

در مورد هزینه‌های دادرسی دو حالت متصور است، یکی این که هنگام تقدیم دادخواست، تقویم ارزش خواسته برای خواهان مقدور است، لذا بر آن اساس باید تمبر هزینه دادرسی را برابر تعرفه قانونی ابطال نماید و دیگر حالتی است که به هنگام تقدیم دادخواست، تعیین ارزش خواسته برای خواهان مقدور نیست که در این حالت به تجویز بند ۱۵ ماده «۳»^۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ راه‌حلی پیش‌بینی شده است. بنابراین بدیهی است که نحوه وصول هزینه دادرسی به این صورت است که خواهان باید به هنگام تقدیم دادخواست، در هر یک از دو صورت فوق به میزان مقرر در قانون، تمبر هزینه دادرسی را ابطال نماید و ضمانت‌اجرای عدم انجام این تکلیف قانونی را مقنن در مواد ۵۳، ۵۴ و ۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در موارد مختلف پیش‌بینی نموده است. در بند ۱ ماده ۵۳ قانون آئین دادرسی مدنی در خصوص ضمانت‌اجرای عدم پرداخت هزینه اعم از هزینه اوراق و هزینه حکم یا قرار آن از موارد توقیف دادرسی اعلام داشته است. در ماده ۵۴ قانون فوق هم مدیر دفتر دادگاه را مکلف نموده است که ظرف دو روز نقص مربوطه را به خواهان اطلاع دهد و از تاریخ ابلاغ اخطاریه رفع نقص، خواهان باید ظرف دو روز نسبت به هزینه دادرسی اقدام و از پرونده رفع نقص نماید. در صورتی که خواهان در مهلت مقرر قانونی هزینه دادرسی را پرداخت نکند، مدیر دفتر دادگاه قرار رد دادخواست را صادر خواهد کرد. در ماده ۵۵ قانون مذکور نیز به ضمانت‌اجرای عدم پرداخت هزینه انتشار آگهی اشاره شده است.

از جمله سیاست‌های کلان در جهت کنترل هزینه‌های دادرسی را می‌توان خصوصی‌سازی دادرسی، تخصص‌گرایی دادرسی و درونی کردن هزینه‌های دادرسی از طریق تصویب قوانین استاندارد در راستای تخصیص هزینه‌های دعاوی و دادرسی قلمداد کرد. از جمله سیاست‌های خرد و فنی در این خصوص را می‌توان اصل «معقول و متعارف نمودن هزینه‌ها» و «نظریه انتقال هزینه‌ها» نام برد. دادرسی صحیح و عادلانه در گرو معقول و متعارف نمودن هزینه‌های دادرسی می‌باشد. منظور از این مهم، اشاره به هزینه‌های فردی

۳- در صورتی که قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست، مشخص نباشد مبلغ دو هزار ریال تمبر الصاق و ابطال می‌شود و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد و دادگاه مکلف است قیمت خواسته را قبل از صدور حکم مشخص نماید.

دادرسی است که تأکید بر عقلایی نمودن هزینه‌ها در قالب مدیریت هزینه‌ها است. هرچند که ابزارهایی از قبیل پذیرش اعسار، بهره‌مندی از خدمات و کیل معاضدتی، امکان دستیابی به خسارات قانونی و قراردادی در مسیر تحمل هزینه‌های دادرسی قابل تأمل است. لیکن تحلیل اقتصادی به دنبال بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی به منظور ارتقای کیفیت هزینه دادرسی است. به همین دلیل و در همین راستا، تکیه‌گاه تحلیل اقتصادی بر توجه به وضعیت اقتصادی اصحاب دعوا و لحاظ اصل حسن‌نیت در دعاوی است.

در حقوق ایران لازم است قاضی بتواند به موقعیت اقتصادی طرفین و خواسته دعوا توجه کند. او باید برای تضمین کارایی دادگستری، در گزینش اقدامات تحقیقی تا جایی که ممکن است به کم هزینه‌ترین و ساده‌ترین استناد کند. از سوی دیگر بایسته است بتواند حتی محکوم‌له را به استناد رفتار وی قبل یا در جریان دادرسی از دریافت بخشی از خسارت دادرسی محروم کند. در حال حاضر طبق ماده ۵۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، تنها در صورت حصول سازش میان طرفین و عدم توافق ایشان بر خسارت دادرسی است که قاضی از صدور حکم به خسارت دادرسی ممنوع است (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶، ۲۹۴).

پرداخت هزینه دادرسی اعم از هزینه حکم و قرار و اوراقی که به دادگاه داده می‌شود، بدواً بر عهده خواهان است که باید پرداخت کند و سپس اوراق قضایی که دفاعاً تقدیم دادگاه می‌شود، هزینه‌های آن در ثانی به عهده خواننده دعوا است. همچنین در مواردی که اقدام دادگاه به موجب قانون مستلزم تأدیه حقی می‌باشد، تأدیه آن به عهده شخصی است که متقاضی آن اقدام از دادگاه بوده است. با استناد به ماده ۷۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳، بهترین دلیل و مبنای دریافت هزینه دادرسی با توجه به مفهوم موافق این ماده، ارتقای سطح کمی و کیفی انجام وظایف از سوی قوه قضائیه و ارتقای سطح خدمات به مراجعین می‌باشد، البته هدف عنوان شده از سوی ماده فوق طریقت داشته و می‌تواند دلایل دیگری نیز بر مدعای فوق وارد نمود که از آن جمله است، کاهش میزان مراجعین که در اقامه دعاوی خود، جزمی ندارند. زیرا انجام کاری که نفع عقلانی نداشته باشد و به اطلاع دادرسی منتهی گردد، نه تنها مذموم است بلکه دولت‌ها می‌کوشند تا از طریق موانعی از این گونه اطلاع‌ها و درخواست‌های بی‌مورد جلوگیری به عمل آورند و از این رو است که استناد به ماده فوق، طریقت می‌یابد نه موضوعیت (قلعه‌نوی، ۱۳۹۵، ۱۲۹).

پرداخت هزینه دادرسی یک اصل است و معافیت از آن، یک استثناء، فلذا هر جا که شک کردیم آیا خواهان معاف از پرداخت هزینه دادرسی است باید به اصل عمل نماییم و هزینه دادرسی را از او اخذ

نماییم، مگر این که خواهان خلاف آن را با ارائه دلیل و مستند قانونی ثابت نماید. در وضعیت عدم تمکن خواهان برای پرداخت هزینه دادرسی، ایشان باید مبادرت به تقدیم دادخواست اعسار نماید. این تقاضا می‌تواند ضمن دادخواست اصلی مربوط به دعوی یا در مرحله تجدیدنظر یا فرجام باشد. به طور جداگانه نیز امکان تقدیم دادخواست اعسار وجود دارد. اگر اعسار ضمن دادخواست راجع به دعوای اصلی مطرح شده باشد مدیر دفتر مکلف است ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست اعسار، پرونده را به نظر قاضی دادگاه برساند تا چنانچه حضور شهود را در جلسه دادرسی لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید. پس از تعیین وقت رسیدگی، مدیر دفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف دعوی اصلی ارسال و او را به جلسه دادرسی اعسار دعوت می‌کند (ماده ۵۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹). معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود ولی معسر می‌تواند در تمام مراحل مربوط به همان دعوا از معافیت استفاده کند (ماده ۵۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹).

در رابطه با هزینه اجتماعی دادرسی، نقطه توجه این مهم، راجع به هزینه‌های اداری و اشتباهات است (کوثر و یولن، ۱۳۸۸، ۵۴۴). هزینه‌های اداری در دو حالت هزینه‌های فضای فیزیکی و کالبدی دستگاه قضایی و هزینه‌های تأمین کادر اداری و کادر قضایی می‌باشد. عدم مدیریت صحیح داده‌های دستگاه قضایی، ستاد تولید هزینه‌های کلان را به همراه خواهد داشت. در خصوص هزینه‌های ناشی از اشتباهات نیز می‌توان به اشتباه کادر اداری و قضایی دستگاه قضایی در ابلاغ اوراق، صدور آراء و... اشاره داشت. باید اذعان نمود که اندازه‌گیری هزینه اجتماعی دادرسی از تعسر برخوردار بوده و در محدوده تلقی و تخمین طرفین دعوا و دادرس (به عنوان بازیگران دادرسی) قرار نمی‌گیرد. لیکن عدم لحاظ هزینه‌های اجتماعی به منزله نبود این هزینه‌ها نیست. در حقوق موضوعه ایران، اولاً نظام قضایی از یارانه قضایی در دعاوی و پرونده‌های مطروحه بهره می‌برد. ثانیاً صرفاً در برخی از موارد، اشتباهات ناشی از تصمیم‌گیری قضایی باعث تولید مسئولیت مدنی می‌شود (اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی). طبیعی است که در صورت کنترل و جهت‌دهی هزینه‌ها مثل درونی کردن هزینه‌ها و یا انتقال هزینه‌ها می‌توان ضمن از بین بردن تعارض سطح مطلوبیت خصوصی و اجتماعی هزینه‌ها، به کارایی دادرسی و آراء متعاقب بر آنها دست یافت (زندوکیلی، ۱۳۹۶، ۲۵).

لازم به ذکر است در دعای کیفری نیز مطابق با ماده «۵۵۹»^۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این هزینه‌ها اعم از هزینه دادرسی، هزینه‌های تشکیل پرونده، هزینه ارجاع به کارشناس مربوطه و... است. مطابق با معیارهای دادرسی منصفانه و نظریه‌های تبیین‌کننده وظیفه دولت، در معنای حاکمیت، مانند نظریه قرارداد اجتماعی، نظریه رفاه و همبستگی اجتماعی و نظریه ضمان قهری دولت، تحمیل این هزینه‌ها بر بزه‌دیده ناموجه است (میرکمالی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۸۹).

در واقع شکایت کیفری برخلاف دادخواست حقوقی علیرغم این که هزینه بیشتری برای دستگاه قضایی از باب نحوه رسیدگی، افراد و پرسنلی که از رسیدگی مقدماتی تا صدور حکم در پرونده دخالت می‌نمایند بر در دارد از هزینه کمتری برخوردار است و شاکی کیفری وجه اندکی در مقابل شکایت و در مقایسه با دادخواست حقوقی می‌پردازد. اصولاً هزینه دادرسی در تمامی دعاوی کیفری یکسان و برابر بوده، اما در دعای حقوقی این هزینه بر اساس بهای خواسته متغیر می‌باشد و به میزانی که بهای خواسته افزایش یابد، هزینه دادرسی نیز افزایش خواهد یافت. شاید فرق شکایت کیفری با حقوقی در آن باشد که دولت مکلف است امنیت را مستقر نماید و اصولاً موارد کیفری با نظم عمومی بیشتر در تضاد می‌باشند، اما تفاوت هزینه دادرسی در امور کیفری با امور حقوقی قابل مقایسه نیست و شاید این وضع از روح کلی دعاوی کیفری باشد که دولت به عنوان حافظ امنیت جامعه در موارد بسیاری خود مدعی قضیه است. در آئین دادرسی کیفری، اعسار و تقاضای اعسار از هزینه دادرسی را نداریم به این دلیل این که امور کیفری با امور مدنی متفاوت است و به نظر قانونگذار رسیدگی به امور جزایی نباید به تأخیر بیافتد. پس احراز عدم تمکن شخص از پرداخت هزینه دادرسی با دادگاه می‌باشد، لیکن در امور مدنی عدم تمکن شخص از پرداخت، نیازمند درخواست اعسار توسط شخص و احراز دادگاه و حکم به اعسار است (ماده ۵۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹). در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، موادی در خصوص

۴- ماده ۵۵۹: شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می‌کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می‌کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می‌شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می‌تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی‌توان به علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت. مگر آن که محکوم به از مستثنیات دین بوده و یا به میزانی نباشد که موجب خروج محکوم به از اعسار گردد.

هزینه‌ها وجود دارد از جمله مواد ۵۵۹ تا ۵۶۵ که تحت عنوان هزینه دادرسی در این قانون آمده است.

۵- آثار هزینه دادرسی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، اهمیت و نقش اصول اداره‌کننده یا راهبردی دادرسی مدنی در سازماندهی جریان دادرسی و نقش‌های اصحاب دعوا و دادرس در دادرسی مدنی است؛ امری که به مجموع مقررات آئین دادرسی روح و مبنا می‌دهد. یکی از این اصول که در جهت اعمال عدالت می‌توان از آن نام برد، اصل رایگان بودن دادگستری است، بدین معنا که لازم نیست طرف‌های دعوا مبلغی را به دادرس رسیدگی‌کننده پردازند بلکه دادرسان جزو کارکنان دولت هستند و حقوق آنان را نیز دولت پرداخت می‌کند. این اصل به معنای آن نیست که همه انواع خدمات عمومی رایگان هستند. زیرا خدمات عمومی‌ای را مشاهده می‌کنیم که کارکنان دولت آن‌ها را ارائه کرده و هزینه کارکنان آن را به طور نسبی استفاده‌کنندگان آن خدمات پرداخت می‌کنند (برای نمونه؛ اداره پست). در صورتی که در زمینه قضایی وضعیت این‌گونه نیست، بلکه شرکت مردم در فراهم کردن هزینه‌ها به شکل پرداخت مالیات است.

ماده ۶۹۵ قانون جدید آئین دادرسی مدنی، اقسام هزینه‌ها و خسارات دادرسی را برمی‌شمارد و در ماده ۶۹۶ مقرر می‌دارد: طرف بازنده به پرداخت هزینه‌ها محکوم می‌شود مگر این که قاضی وفق تصمیمی مستدل، تمام یا بخشی از مسئولیت را بر عهده طرف دیگر نهاده باشد. شرایطی که او می‌تواند مسئولیت تمام یا بخشی از هزینه‌های رسیدگی را بر عهده طرف ذینفع معاضدت قضایی قرار دهد در مقررات قانون شماره ۹۱-۶۴۷ مورخ دهم ژوئیه ۱۹۹۱ و تصویب نامه شماره ۹۱-۱۲۶۶ مورخ نوزدهم دسامبر ۱۹۹۱ پیش‌بینی شده است. همچنین طبق ماده ۶۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، هزینه‌های ناشی از رسیدگی، اعمال و آئین‌های اجرای غیرموجه بر عهده بستگانی است که موجب آن بوده‌اند، علاوه بر جبران ضرر و زیانی که اعلام خواهد شد.

همچنین است هزینه‌های رسیدگی، اسناد و آئین‌های دادرسی بیهوده‌ای که در نتیجه تقصیر آنان به وجود آمده است. در بحث هزینه‌ها، برخی از آن‌ها بر عهده طرف‌های دعوا به شکل انفرادی است؛ خواه آنان در این فرآیند برنده شده باشند یا نه. نمونه آن حق‌الزحمه وکیل است. اصولاً هر فردی حق‌الزحمه وکیلی که برگزیده است، می‌پردازد. برعکس سایر هزینه‌ها که مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند، هزینه دادرسی نامیده می‌شوند. طبق ماده ۷۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، قاضی طرف ملزم به پرداخت هزینه‌ها یا طرفی را که بازنده دادرسی است به پرداخت هزینه‌های زیر محکوم می‌کند: مبلغی را که او

برای هزینه‌ها متحمل شده و مشمول هزینه‌های دادرسی نیست، برای طرف دیگر تعیین می‌کند. در صورت اقتضاء برای وکیل بهره‌مند از معاضدت جزئی یا کامل، مبلغی را به عنوان حق الوکاله و هزینه‌ها که شامل هزینه‌های دادرسی نمی‌شود و برخوردار از معاضدت اگر از معاضدت استفاده نمی‌کرد، متحمل آن می‌شد معین می‌نماید. در تمام این موارد قاضی به انصاف و وضعیت اقتصادی محکوم علیه توجه می‌کند. او حتی رأساً می‌تواند به علل ریشه‌دار در همین ملاحظات اعلام کند که صدور حکم به این محکومیت لازم نیست. با وجود این اگر مبلغی را وفق بند ۲ ماده حاضر اختصاص می‌دهد، این مبلغ نباید کمتر از بخش مشارکتی دولت باشد (محسنی، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۶۹).

طبق ماده ۷۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه، قاضی هم در مورد درخواست هزینه‌ها و هم در مورد دیگر درخواست‌های مربوط به پرداخت هزینه‌ها تصمیم می‌گیرد. بر پایه قواعد کلی و دست کم در مورد اختلاف‌ها و دعوای اداری و مدنی، پرداخت هزینه‌ها بر عهده محکوم علیه است. بنابراین، ایشان نه فقط هزینه‌های مربوط به خود، بلکه هزینه‌های مربوط به رقیب خود را نیز باید پردازد. این راه‌حل منطقی است، زیرا دلیلی ندارد که محکوم‌له پرداخت هزینه‌ها را متحمل شود. در این زمینه دادرسی قدرت و اختیار بسیاری برای ارزیابی دارد. وی می‌تواند پرداخت همه یا بخشی از هزینه‌ها را بر عهده دیگری بگذارد. ولی این تخطی و انحراف از اصل فقط در صورت وجود شرایط استثنایی توجیه‌پذیر است و به همین دلیل، رأی دادرسی در این زمینه باید مستدل و موجه بوده و وی باید این مسئله را توجیه کند (پرو، ۱۳۸۴، ۸۴ و (پورااستاد، ۱۳۸۷، ۱۴۷).

در زمینه کیفری، راه‌حل فرق می‌کند. ماده ۱-۸۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد که برخلاف همه مقررات، هزینه‌های مربوط به دادگاه جنایی و جناح‌های و پلیس بر عهده دولت است، بی‌آن که به مراجعان رجوع شود. به بیان دیگر، مسئولیت هزینه‌ها بر عهده خود دولت است. حداکثر این که فقط هزینه‌های مربوط به اقامه دعوا که چندان بالا نیست و بر حسب نوع دادگاه متفاوت است، بر عهده محکوم علیه است. این قاعده فقط در مورد دعوای صرفاً کیفری اعمال می‌شود؛ به استثنای مواردی که در آن بزه دیده دعوای ضرر و زیان را نیز در دادگاه کیفری مطرح کرده باشد. در این حالت، با در نظر گرفتن شرایط پیش‌بینی شده در مواد ۲۱۶ و ۳۷۵ قانون آئین دادرسی کیفری (اصلاح شده با قانون ۱۹۹۳)، هزینه‌ها بر عهده محکوم علیه است؛ یعنی بر پایه این شرایط باید انصاف و وضعیت اقتصادی محکوم علیه را در نظر گرفت. آنچه از این مطلب بر می‌آید این است که دادرسی برای جلوگیری از

خسارت محکوم علیه اختیار ارزیابی گسترده ای دارد.

در حقوق فرانسه، کمک حقوقی، نهادی است که به افراد فاقد درآمد و امکانات کافی اجازه می دهد تا از پرداخت هزینه و حق الزحمه های دستیاران قضایی معاف شوند. دستیارانی که از شرکت و همکاری آنان برای گرفتن مشاوره در بیرون دادگاه و در صورت اقتضاء برای شرکت و دفاع در دادگاه لازم و ضروری است. فردی که از کمک حقوقی استفاده می کند، به وکیل برگزیده خود مبلغی نمی پردازد و مشاور حقوقی و مأمور اجرای دادگستری از وی هیچ اجرتی دریافت نمی کنند. در یک کلام برای استفاده کنندگان از کمک حقوقی، دادگستری به طور کامل رایگان خواهد بود (زندوکیلی، ۱۳۹۶، ۱۰۴).

امروز کمک حقوقی دامنه اجرایی بسیار گسترده ای یافته است. از این کمک می توان نسبت به هزینه های مربوط به فرآیند رسیدگی در برابر همه دادگاه های اداری و قضایی و در زمینه های مدنی، بازرگانی، تأمین اجتماعی و تشریفات مربوط به اجرای تصمیمات دادگاه یا هر عنوان عملیات اجرایی دیگر به جز در زمینه کیفری استفاده کرد. اشخاص حقیقی دارای ملیت فرانسوی که دارای تابعیت یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز افراد دارای تابعه بیگانه که عادتاً و معمولاً در فرانسه زندگی می کنند، می توانند از این نهاد استفاده کنند. اشخاص حقوقی که اقامتگاه آنان در فرانسه است نیز به طور استثنایی در شرایطی می توانند از خدمات این نهاد استفاده کنند. طبق ماده ۷ قانون ۱۹۹۱، درخواست استفاده از کمک حقوقی درخواست کنندگانی پذیرفته می شود که اصل دعوای آنان در دادگاه دفاع پذیر و پذیرفتنی باشد. به بیان دیگر، اگر ادعای درخواست کننده به طور قطعی در دادگاه به شکست منتهی شود، درخواست استفاده از کمک حقوقی از وی پذیرفته نمی شود. شاید علت این امر آن باشد که اجازه طرح درخواستی دفاع ناپذیر و ناپذیرفتنی موجب حیف و میل اموال عمومی می شود.

نتیجه

یکی از مشکلات شایع در محاکم قضایی و دادگستری ها این است که طبق قانون در مراحل مختلف رسیدگی به دعوای مالی و غیرمالی هزینه دادرسی اخذ می شود. بیشتر افرادی که مورد ظلم واقع شده اند مال باختگانی هستند که باید هزینه های هنگفتی نیز برای اقامه دعوای خود پردازند، اما به دلیل عدم توانایی مالی هزینه ای برای پرداخت ندارند. هرچند قانونگذار، دعوای اعسار را برای حل این مشکل پیش بینی نموده است، اما رسیدگی به این موضوع به زمانی طولانی نیاز دارد و قضات دادگاه ها در بسیاری از موارد دعوی اعسار را نمی پذیرند که همین امر باعث انصراف صاحبان دعوای از ادامه رسیدگی می شود و

حقوق آنان تضييع مي‌گردد. البته براي پيشگيري از هجوم بي‌رويه به محاكم دادگستري به علت رسيدگي رايگان به دعاوي، اخذ هزينه دادرسي به صورت محدود آن هم بعد از اتمام رسيدگي به دعاوي و محكوم له واقع شدن خواهان سبب کاهش تعداد دعاوي خواهد شد.

در حقوق فرانسه اصل رايگان بودن بدین معنا است که لازم نيست طرف‌هاي دعوا مبلغی به دادرس رسيدگي کننده بپردازند. بلکه دادرسان جزو کارکنان دولت هستند و حقوق آنان را نيز دولت پرداخت مي‌کند. ليکن پرداخت بقيه هزينه‌ها مثل حق‌الوکاله و کيل و... بر عهده خود متقاضی مي‌باشد. متقاضی هزينه‌ها بايد ميزان تأييده شده را به طرف مقابل ابلاغ کند تا اگر اعتراضی دارد ظرف يك ماه انجام دهد. اين ابلاغ از جهت متقاضی بررسی حساب به معنای پذيرش آن است. در اين ابلاغ بايد مهلت اعتراض و چگونگی اجرای آن ذکر شده و مشخص باشد که در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر، گواهی بررسی اجرائی خواهد بود. همچنين طبق قانون آئين دادرسي مدنی فرانسه و کلاي مدافع، و کلاي نماينده سابق و مأموران ابلاغ و اجرای دادگستري را مي‌توان شخصاً به پرداخت هزينه‌های ناشی از رسيدگي، اعمال و آئين‌های اجرا که از حدود نمايندگی آنان بيرون است محكوم نمود.

مطابقت موضوع اجرت در قضاوت با اخذ هزينه‌های دادرسي در بدو رسيدگي، دور از انصاف و عدالت قضايی است. محكوم کردن دادباخته به جبران هزينه‌های دادرسي و تأخير در ادای دين و عدم انجام تعهد يا تأخير در انجام آن يا تأخير در تسليم موضوع خواسته نيز اگرچه قطعاً راهکاری مناسب برای برقراری و توزيع عدالت ماهوی در جامعه هستند ليکن باز هم منصرف از معقول و متعارف کردن هزينه‌های مادی دادرسي مي‌باشد. بر اساس قوانين جاری مبلغ هزينه‌های دادرسي ارزش خواسته است و ارتباطی به مقدمات تشکيل پرونده ندارد و چه بسا افزايش اين هزينه‌های هنگفت صاحبان دعوی را از طرح دعوی منصرف و از اجرای عدالت مأیوس نمايد که زمينه‌های ايجاد یأس و ناامیدی از دستگاه قضايی در رفع خصومت و تظلم، خلاف شرع و خلاف اصل سی و چهارم قانون اساسی که دادخواهی حق مسلم هر فرد است می‌باشد. چنانچه در مراحل مختلف رسيدگي به پرونده، خسارتي به محاكم قضايی وارد شده باشد اين وجوهات بايد به صورت محدود آن هم بعد از اتمام رسيدگي به دعاوي و محكوم‌له واقع شدن خواهان پرونده، از مسبب آن (محكوم عليه) اخذ شود. بنابراین هزينه‌های دريافتی بايد کاملاً متناسب با سرمايه تلف شده قوه قضائيه باشد. در غير اين صورت نوعی درآمدي در دعاوي حقوقی به وجود می‌آيد.

در خصوص پرداخت هزينه‌های دادرسي موافقين و مخالفيني وجود دارند. موافقين پرداخت معتقدند

که اگر از طرفین دعوا خصوصاً خواهان هزینه‌ای مطالبه نشود دور از ذهن است زیرا مجانی بودن و یا ارزان بودن دادرسی باعث می‌گردد دعاوی واهی طرح گردند. در مقابل مخالفین پرداخت استدلال می‌کنند که دادخواهی از حقوق اساسی افراد می‌باشد و طبیعی است که دولت باید تسهیلات لازم را برای احقاق حق مهیا کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۹۰، **قواعد فقه مختصر هفتادوهفت قاعده فقهی حقوقی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پرو، روزه، ۱۳۸۴، **نهادهای قضایی فرانسه**، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل.
- پوراستاد، مجید، ۱۳۸۷، **اصول و قواعد آئین دادرسی مدنی فراملی**، چاپ اول، تهران، انتشارات شهردانش.
- پوراستاد، مجید و حصارخانی، فاطمه، ۱۳۹۴، **تحلیل اقتصادی فرآیند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌ها، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی**، سال هشتم، شماره ۲۸.
- حسینی پویا، سیدمحسن، ۱۳۹۰، **بایسته‌های تفسیر مقررات مرتبط با هزینه دادرسی، فصلنامه وکیل مدافع**، شماره ۲.
- زندوکیلی، رؤیا، ۱۳۹۶، **هزینه‌های دادرسی در فقه و حقوق ایران و مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی**، مدرسه عالی شهید مطهری.
- شاول، استیون، ۱۳۸۸، **مبانی تحلیل اقتصادی حقوق**، ترجمه محسن اسماعیلی، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شمس، عبدالله، ۱۳۸۴، **آئین دادرسی مدنی**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دراک.

- غمامی، مجید و محسنی، حسن، ۱۳۸۶، **اصول آئین دادرسی فراملی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- قلعه نوی، فائزه، ۱۳۹۵، هزینه‌های دادرسی از منظر فقه و حقوق موضوعه، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران.
- کوتر، رابرت و یولن، تامس، ۱۳۸۸، **حقوق و اقتصاد**، ترجمه یدالله دادگر و حامد اخوان هزاوه، چاپ اول، تهران، انتشارات نور علم و دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی، حسن، ۱۳۸۹، **اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری در چارچوب اصول دادرسی**، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، حسن، ۱۳۹۵، **آئین دادرسی مدنی فرانسه**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۶، قواعد فقه، جلد اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- میرکمالی، سیدعلیرضا و حاجی‌زاده، نازنین، ۱۳۹۸، حمایت دولت از بزه‌دیدگان در زمینه تأمین هزینه دادرسی، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۵.

عربی

- خمینی، روح‌الله، ۱۴۱۰ق، **کتاب البیع**، جلد چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۹ق، **العروه الوثقی**، جلد پنجم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، محمدکاظم، ۱۴۲۹ق، **القواعد: مأنه قاعده فقهیه معنی و مدرکا و موردا**، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

قوانین

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸
- قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

- Analysis of Opinions Based on Compensation in the Light of International Environmental Law. Abbas Poorhashemi, Sobhan Tayebi
Powers of the Prosecutor of the International Criminal Court in the Prosecution of International Crimes. Abolfath KHaleghi, Sayyed Mohammad Sadeh Hosseini
- Criminalization of Not Reporting Terrorism Financing as an Instance of Criminal Apathy. Jafar Movahedi, Naser Rezvani Jouybary
A Sociological Look at the Socio-Political Victims of the Decisions and Goals of Political Rulers from the Perspective of Jurisprudence and Restorative Justice. Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hossien Norozian, Mahmud CHatri
- Investigating the Dimensions of Legal Shortcomings in Compensation of Transboundary Environmental Damages to Injured Non-Governmental Persons. Nesa Gholizadeh
- Necessity of Obligation of International Community in Respect of the Rights of Palestinian to Sovereignty Over the Occupied Territories in the Context of International Law. Mohammad Setayesh Pur, Saeid Nasrollah Zadeh
- Critique of the Policy of Zero Tolerance in the Iranian Penal System. Rostam Ali Akbari, Pourya Dashti Nejad
- A Comparative Approach to Litigation. Hasan Najjarha
- Investigating the Factors of Breaking the Relationship of Citation in Criminal Law. Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani, Ali Paidarfard
- Time Series Monitoring of Climate Change Resulting from the Construction of a Dam and Investigation of Government Responsibility for its Environmental Effects (Case Study of Sharafshah Somar Dam. Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Shadman Rahimi, Ebrahim Mohammadi
- Child and Childhood from the Perspective of Science. Maryam SHA'ban
- Value of the Real Estate Registry by Looking at the Current Situation. Noorbakhsh Riahy
- The Effects of Receipt and Recourse in the Contract of Hebeh from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Subject Law of Iran. Afshin Mojahed, Amirmohammad Sediqian
- Analysis of the Substantive and Formal Challenges of Extradition. Reza Alipanah, Ali Paidarfard
- Analytical Classification of Maritime Rescue Contracts: Formation and Development. Amir Hossein Zalnejhad
- Jurisprudential research on the acceptance of mother retaliation or its prohibition in the Islamic Penal Code. Sayyed Alireza Amin
- Investigating the Process of Restorative Justice and the Challenges it Faces in Environmental Crimes. Saead Asadzadeh, Fatemeh Ahadi, Mojtaba Kanjori
- Martyrdom of Major General Soleimani in the Light of International Criminal Law: A Comparative Analysis of Existing Mechanisms to Combat Impunity. Mohammad Setayesh Pur, Zahra Maleki Rad
- Multiplicity of the Islamic Penal Code and its Effects (with Emphasis on Crimes Against Persons). Mohammadreza Nazarinejad Kiashi, Peyman Dolatkhah Pashaki
- International Responsibility of the State in the Light of the Judgment of Eleventh December 2020 of the International Court of Justice (Equatorial Guinea v. French). Esmail KHALife
- Principles and Rules Governing Civil Proceedings in Iranian and French Law. Belghais Borhani
- Feasibility of Delegating the Authority to Request Referral from the Prosecutor to the Deputy Prosecutor and the Assistant Prosecutor. Mehrdad Movahedi, Peyman Dolatkhah Pashaki, Vahid Dadgostar
- Principles Governing Oil Contracts in the Iranian Legal System. Hadi Zare
- Investigating the Competence of International Criminal Court in Dealing with Terrorism. Sayyed Sajjad Razaghi Mousavi
- The Status of Court Costs from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian and French Law. Ali Adabi Firozjaaei, Reza Aghaabasi, Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Explain the Difference of Opinion Regarding the Crime of Intentional Assault with a Cold Weapon in the Light of Criticism. Amirreza GHane, Maryam Fatholahpoor Shiraz
- The Effects of Committing Tax Crimes and Ways to Prevent it in the Iranian Legal System. Maryam Azimi
- Reflections on Fasting in Jurisprudence; A Criminal Act or a Forbidden Act. Sayyed Reza Mousavi Azadeh, Iman Esfandiar, Sayyed Hamed Razavi
- Pathology of the Law on the Use of Weapons in Explaining Permitted Shooting Cases. Saman Ojaghloo Shahabi, Javad Naderi ooj Boghzi, Sayyed Reza Tabutabuy Far
- A Sociological Inquiry into the Pretense of Haram Acts in Women in the Form of Islamic Jurisprudence and Criminology Teachings with Emphasis on Police Missions. Sayyed Mohammadreza Mousavifard, Hamidreza Norozian, Fatemeh Sadat Ziauddinpour, Maryam Porthahmasb Picha, Fatemeh Haratian
- Guarantee of Violation of Civil Rights by Officers in the Code of Criminal Procedure. Amirhasan Abolhasani, Mohammad Sadeh Amiri
- Violence Against Women and Ways to Prevent it. Amirhasan Abolhasani, Abdolvahed Bahmehei